

Cultural-political commonalities of Kurdish people in Iran and Iraq according to regional cultural geography

Johar Naderi Zarna¹

Received: 26 October 2024

Masoud Jafarinejad²

Reception: 30 December 2024

Mahnaz Godarzi³

Abstract

Culture and the existence of cultural commonalities are considered as one of the basic components of the convergence of countries. In the meantime, the Kurds, as one of the largest ethnic groups in the Middle East, have many cultural commonalities. In the two countries of Iran and Iraq, which have the largest Kurdish ethnicity, the existence of these commonalities has caused this ethnic group to take steps towards convergence in the two countries of Iran and Iraq. The issue of cultural commonalities of the Kurdish people in Iran and Iraq is an important issue that is based on the fundamental elements of pluralism. Accordingly, the main question of the article is posed as follows: What are the important elements of the cultural-political commonalities of the Kurdish people in Iran and Iraq with regard to the regional cultural geography? The type of research method is descriptive-analytical and based on library studies. Accordingly, the findings of the article show that racial, language, religious, archaeological and historical connections are among the main components of the cultural commonalities of the Kurdish peoples of Iran and Iraq. Cultural connections between the Kurds of Iran and Iraq have always led to the strengthening of the process of political and cultural convergence among this people. Today, in the interactions between the two countries, what is most important is the emphasis and attention on the continuity of relations and the emphasis on the cultural commonalities that the Iraqi Kurds have with the Iranians, and it is essential that these ties be promoted.

Keywords:

Customs, cultural commonalities, racial continuity, language, Kurdish ethnicity, religio

¹PhD student of International Relations Department, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

²Associate Professor, Political Science Department, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran (corresponding author)

³ Associate Professor, Department of International Relations, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.492100.1159>

اشتراکات فرهنگی - سیاسی قوم کرد در ایران و عراق با توجه به جغرافیای فرهنگی منطقه ای

جوهر نادری زرنه^۱
مسعود جعفری نژاد^۲
مهناز گودرزی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیده:

فرهنگ و وجود اشتراکات فرهنگی به عنوان یکی از مولفه های اساسی همگرایی کشورها به شمار می رود. در این بین، کردها به عنوان یکی از بزرگترین گروه های قومی در خاورمیانه، دارای اشتراکات فرهنگی بسیاری هستند. در دو کشور ایران و عراق نیز که دارای بیشترین قومیت کرد هستند، وجود این اشتراکات باعث شده است تا این گروه قومی در دو کشور ایران و عراق در مسیر همگرایی گام بردارند. مساله اشتراکات فرهنگی قوم کرد در ایران و عراق موضوع مهمی است که براساس عناصر بنیادین فراونی استوار است. بر این اساس، سوال اصلی مقاله این گونه مطرح شده است که عناصر مهم اشتراکات فرهنگی - سیاسی قوم کرد در ایران و عراق با توجه به جغرافیای فرهنگی منطقه ای کدامند؟ نوع روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه ای می باشد. بر این اساس، یافته های مقاله نشان می دهد که پیوستگی های نژادی، زبان، دین و مذهب، آثار باستانی و پیشینه مراودات فرهنگی از اصلی ترین مولفه های اشتراکات فرهنگی اقوام کرد ایران و عراق می باشد. پیوستگی های فرهنگی در بین کردهای ایران و عراق باعث شده است تا همواره روند همگرایی سیاسی و فرهنگی در بین این قوم تقویت شود. امروزه در تعاملات دو کشور آنچه بیش از هر چیز دارای اهمیت است، تأکید و توجه بر استمرار روابط و تأکید بر مشترکات فرهنگی است که کردهای عراق با ایرانیان داشته و ضروری است که این پیوندها ارتقاء یابند.

کلمات کلیدی:

آداب و رسوم، اشتراکات فرهنگی، پیوستگی نژادی، زبان، قوم کرد، مذهب

^۱ دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
^۳ دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

فرهنگ در قالب عناصر گوناگون و از طریق انتقال یا نفوذ ایفای نقش می‌کند، بدین سان در سیاست و روابط بین الملل، نهادینه شدن فرهنگ، فرهنگ پذیری و تهاجم فرهنگی از اهمیت قابل توجهی در روابط میان دولت‌ها و نهادها برخوردار هستند. تبادل فرهنگی به روش‌های مختلف از همجواری میان کشورها گرفته تا ارتباطات و مطالعه در خصوص آداب و رسوم و نقش دیگر کشورها، صورت می‌گیرد و به سنتها کمک می‌کند تا ضمن معرفی و گسترش فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها در جهت رفع ضعف‌ها و تقویت نقاط مثبت فرهنگی خود گام بردارند.

در میان کشورهای عرب منطقه خاورمیانه، عراق دارای بیشترین قرابت‌های فرهنگی و مذهبی با ایران است که یکی از مهمترین دلایل این امر به حضور قوم کرد برمی‌گردد. قوم کرد از تبار آریایی بوده و پیش از جنگ ایران با عثمانی، تمامی کردها ذیل دولت ایران بوده‌اند. کردها پس از عرب‌ها، فارس‌ها و ترک‌ها بزرگترین بلوک قومی در خاورمیانه به شمار می‌آیند. در عراق ۲۵ درصد جمعیت یعنی حدود چهار میلیون نفر از جمعیت کشور را کردها تشکیل می‌دهند و تعداد جمعیت کردها در ایران حدود ۷ میلیون نفر است که ۱۵ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شود. اشتراکات فرهنگی میان کردهای ایران و عراق به عنوان یکی از عوامل اصلی و اساسی توسعه اقتصادی در مرزها محسوب می‌شود و استان ایلام به عنوان یکی استان‌های مرزنشین، با بهره‌گیری از اشتراکات فرهنگی میان کردهای دو کشور می‌تواند امنیت اقتصادی را در مرزها توسعه بخشد. از سوی دیگر، استان ایلام با ۴۳۴/۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک، دارای طولانی‌ترین مرز زمینی جمهوری اسلامی ایران با کشور عراق در همجواری با سه استان دیاله، واسط و میسان می‌باشد. در این بین، کردهای فیلی روابط خانوادگی و قومی بالایی با اقوام خود در استان ایلام دارند و رویکرد آنها مبتنی بر تعامل و همکاری می‌باشد.

در خصوص اشتراکات فرهنگی قوم کرد در ایران و عراق می‌توان برخی از منابع و اطلاعات مرتبط را مورد توجه قرار داد: ۱- زبان کردی که در دو کشور توسط بخش قابل توجهی از جمعیت صحبت می‌شود. ۲- تاریخ و سنتهای مشترک که در طول قرون با هم تبادل شده‌اند. ۳- دین اسلام و مذهب شیعه که بین بسیاری از کردهای ایران و عراق حاکم است. ۴- ارتباطات حوزه‌های علمیه‌ی دو کشور، بازسازی و زیارت عتبات عالیات و تأثیر مراجع تقلید. ۵- مبارزه با گروه‌های افراطی به ویژه داعش و همکاری و همبستگی در دفاع از حرم‌های مقدس.

برخی خرده فرهنگ‌هایی که مبتنی بر اشتراکات فرهنگی اقوام کرد ایران و عراق هستند عبارتند از: ۱- خرده فرهنگ‌های زبانی، مانند خرده فرهنگ گُرم‌انجی، سُرائی، گورانی، لُکی و ... ۲- خرده فرهنگ‌های مذهبی، مانند خرده فرهنگ شافعی، حَنَفی، یزیدان، آلوس و ... ۳- خرده فرهنگ‌های منطقه‌ای، مانند خرده فرهنگ سَنَدَج، مَروانه، حَلَبِجَه، سُلیمانیّه و ... ۴- خرده فرهنگ‌های عشایری، مانند خرده فرهنگ قَشقایی، زغروسی، جَفّ، بَرواری و ...

از سوی دیگر، خرده فرهنگ‌هایی که می‌توان برای نزدیک ساختن دو کشور مورد توجه و تأکید قرار داد عبارتند از آن دسته از خرده فرهنگ‌ها که دارای چنین معیارهایی باشند: ۱- دارای تأثیر بالایی بر روابط و تعاملات بین دو کشور هستند ۲- دارای پتانسیل بالایی برای گسترش و توسعه هستند ۳- دارای چالش یا تعارض کمتر با سایر خرده فرهنگها هستند.

از لحاظ فرهنگی و آداب و رسوم کردهای عراقی تشابه زیادی با ایرانیان دارند، به خصوص در مراسمات ایلی و طایفه‌ای که خمیرمایه اصلی تشکیل دهنده آداب و رسوم در بین آنهاست. در دوره کنونی حفظ موقعیت شیعیان در مناصب حکومتی می‌تواند تأثیرات به‌سزایی در آینده ارتباط بین دو کشور ایران و عراق داشته باشد و کماکان شاهد افزایش مراودات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در سطح استان خواهیم بود. از آنجا که در سنوات گذشته بسیاری از کردهای مستقر در استان‌های ایلام به علل مختلف به عراق مهاجرت کرده‌اند و بسیاری از آنها در شهرها و استانهای مختلف عراق سکنی گزیده‌اند، با این وجود از نظر دولت‌های حاکم در عراق، کردها را تبعه ایرانی شناخته و در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی در پی اختلاف بین دو کشور بسیاری از این خانواده‌ها به ایران رانده شدند. در مقاله‌ی حاضر به تبیین و بررسی اشتراکات فرهنگی کردهای ایران و عراق می‌پردازیم.

نظریه سازه‌انگاری اجتماعی

از نظر سازه‌انگاران قومیت از طریق بیان و ترسیم مرزهای اجتماعی بر ساخته می‌شود. فرایند بر ساختن مرزها و حفظ آن به‌طور گریزناپذیری برخی را شامل می‌شود و برخی دیگر را خارج قرار می‌دهد. این عمل مفصل‌بندی تفاوت فرهنگی است که نتایج سیاسی نیز به همراه دارد؛ زیرا قومیت را به معنی گروه‌های اجتماعی نسبتاً اقلیت فاقد قدرت در برابر گروه‌ها و نهادهای مسلط و اکثریت فرهنگی معرفی می‌کند.

سازه‌انگاران بر ابعاد مادی و غیرمادی حیات اجتماعی تأکید دارند. امانوئل آدلر به خوبی این دو وجه را در تعریف خود از سازه‌انگاری جمع کرده است. او سازه‌انگاری را دیدگاهی می‌داند که نشان می‌دهد «چگونگی شکل دادن جهان مادی به کنش انسانی و شکل گرفتن جهان مادی توسط کنش و تعامل انسانی

وابسته به تفاسیر پویای هنجاری و معرفت‌شناختی جهان مادی است. این به معنای نقش جهان مادی در برساختن جهان اجتماعی است. الکساندر ونت در موضع‌گیری شبیه به علم‌گرایان بر آن است که «(۱) جهان مستقل از ذهن و زبان ناظران منفرد وجود دارد؛ (۲) نظریه‌های علمی نوعاً به این جهان اشاره دارند؛ (۳) حتی اگر این جهان مستقیماً قابل مشاهده نباشد.» اما او در عین حال قائل به تفاوت میان «انواع طبیعی» و «انواع اجتماعی» است: (۱) انواع اجتماعی از نظر زمانی و مکانی خاص‌ترند؛ (۲) انواع اجتماعی وابستگی بیشتری به اعتقادات کنشگران دارند؛ (۳) انواع اجتماعی بیشتر وابسته به رویه‌های انسانی هستند. از نظر ونت، واقع‌گرایی، نواقح‌گرایی و نولیبرالیسم مادی‌گرا هستند به این معنا که «بنیادی‌ترین فاکتورها در مورد جامعه» را «سرشت و سازماندهی نیروهای مادی» می‌دانند و در برابر معناگرایان قرار می‌گیرند که به معنای «توزیع انگاره‌ها و شناخت‌هاست». ونت با تأکید بر آراء تعامل‌گرایان نمادین بر آن است که اولاً، اشخاص بر اساس معانی که چیزها و سایر کنشگران برای آنها دارند عمل می‌کنند؛ و ثانیاً، این معانی در ذات جهان نیستند، بلکه در تعامل شکل می‌گیرند. به نظر او، با وجود اینکه توانمندی‌های مادی اهمیت دارند، اما می‌توان به شکلی «فرهنگی‌تر» در مورد مفهوم «ساختار» اندیشید و به جای تصویر بدبینانه ناشی از تمرکز قدرت، با «تأکید بر بعد فرهنگی ساختار» به «امکانات جدید برای تغییر» رسید. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۳۲۶-۳۲۳) از این منظر، این ساختارها شناختی مشترک‌اند که به عنوان بستر منابع مادی عمل می‌کنند و به آنها معنای لازم را برای کنش انسانی می‌دهند.

برای سازه‌انگاران سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی، هویت‌های دولتی و غیره همراه با اینکه چگونه به منافع دولت‌ها و الگوهای برایندها شکل می‌دهند مهم است. این‌ها نوعی جهان‌بینی ایجاد می‌کنند و بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارند. نهادهای بین‌المللی و رژیم‌های بین‌المللی همچون رژیم‌های تسلیحاتی و حقوق بشر، هنجارهای بین‌المللی و... کنشگران را به سمت باز تعریف منافع و حتی هویت‌هایشان سوق می‌دهند (Ruggie, 1998: 19).

اگر هویت‌ها، اجتماعی و حاصل تعامل باشند، می‌توانند به صورت‌های متفاوتی شکل گیرند. مسئله هویت، به بیان ونت این است که «آیا و تحت چه شرایطی، هویت‌ها جمعی‌تر یا خودمحورتر می‌شوند». به عنوان نمونه، هرچه احساس یگانگی دولت‌ها نسبت به هم بیشتر باشد (مثلاً خود را غربی، دموکراتیک، لیبرال و... بدانند) بیشتر به سمت رویه‌های امنیتی جمعی اشتیاق نشان می‌دهند و در نتیجه همکاری میان آنها تقویت می‌شود و بالعکس، هرچه از هم احساس دوری بیشتری داشته باشند، روابطشان مبتنی بر خودمحوری بیشتری خواهد بود (Wendt, 1999: 36, 336-39).

پیشینه تاریخی و تمدنی کردهای ایران و عراق

پیشینه تمدنی و تاریخی عاملی برای جذابیت بوده و می‌توان از عناصر تمدنی برای بازتولید مؤلفه‌های قدرت نرم و در عین حال با اشتراک گذاری مؤلفه‌های تمدنی و تاریخی ایران با سایر ملت‌ها می‌توان بستر اشاعه فرهنگ و ارزش‌های مندرج در تاریخ ایران را فراهم آورد. سرزمین تاریخی، جایی است که در آنجا زمین و چندین نسل مردم، تأثیری مفید و دوطرفه برهم می‌گذارند. وطن، جایگاه ارتباطات است و جایی است که متفکرین، قدیسان و قهرمانان در آنجا کار می‌کردند و نیایش می‌کردند و می‌جنگیدند. از این حیث عراق به لحاظ تاریخی و فرهنگی ارتباط قوی و گسترده با ایران داشته است. بین‌النهرین به مدت هزاران سال از حوزه تمدنی ایران محسوب شده و ایرانیان این سرزمین را "آسورستان" نام نهاده بودند (زرگر و مولایی، ۱۴۰۱: ۱۲۲). از دیرباز دو عامل جغرافیایی و فرهنگی باعث به هم تنیدگی جامعه ایرانی و عراقی گردیده است. (بیات ۱۳۹۳: ۵۸). نیمی از کردهای فیلی عراق ساکن در مناطق شرقی این کشور، ایرانیانی هستند که از جنگ چالدران و براساس معاهدات میان ایران و عثمانی در دوره صفویه از ایران جدا و ضمیمه خاک عثمانی شده‌اند. (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۷: ۶۴-۶۳) ایرانی بودن کردهای فیلی و وجود تمایلات ایرانی در میان آنها موجب شده که همواره در تأثیر پذیری از تحولات ایران باشند و از سوی حکومت عراق نیز مورد سوءظن واقع شوند (مرادی مقدم و بصیرت منش، ۱۳۹۸: ۶)

بافت سنتی، مذهبی، علاقه و ذائقه کردهای فیلی به مردم ایران باعث شده که قدرت مانور و شعاع عملیاتی نیروهای بیگانه محدود گردد. این بستر باعث شده است که نیروهای فرمانطقه ای کمتر حضور فیزیکی داشته باشند و برای رسیدن به اهداف خویش به صورت نیابتی با استخدام منابع و بکار گرفتن برخی افراد مزدور یا از تجهیزات و فناوری‌های روز بهره مند شوند.

دو کشور ایران و عراق در ابعاد گوناگون با هم سنخیت و الفت داشته و عوامل جغرافیایی و فرهنگی باعث اختلاط و در هم تنیدگی جوامع ایرانی و عراقی شده است. افزون بر عوامل ذکر شده و خصاص مشترک دو کشور، کردهای فیلی ایرانی تبارانی هستند که فصل جدایی آنها از موطن مادریشان مقارن با شکست سپاه ایران از امپراتوری عثمانی در قالب جنگ چالدران بود که رهاورد این شکست تلخ تاریخی، ضمیمه شدن قسمتی از خاک ایران به خاک عثمانی بود، که محل اسکان و زندگی کردهای فیلی است. متعاقب آن نیز در برهه‌های دیگر به انحاء مختلف بسیاری از کردهای فیلی روانه بین‌النهرین گردیدند، اما همواره یاد و خاطره سرزمین مادریشان در اذهان و قلوب آنان زنده و بخشی از لایایی مادران در گوش فرزندان‌شان بوده است. مرادی مقدم و بصیرت منش در این

خصوص معتقدند: وجود تمایلات ایرانی و تأثیرپذیری فراوان کردهای فیلی از ایران، باعث سوءظن حکومت بعث نسبت به آنان شده است (زرگر و مولایی، ۱۴۰۲: ۱۷۵).

آثار باستانی کردهای ایران و عراق

آثار باستانی متعددی از تمدن ایرانی در کردستان عراق یافت شده است که بر پیوند بنیادی این منطقه با حوزه‌ی تمدنی و فرهنگی ایران زمین صحنه می‌گذارد. به عنوان مثال، برج مخروبه «پایکولی» از آثار مهم باستانی کردستان عراق است که کردها این محل را «بتخانه» نام داده‌اند. بنای اصلی ویران شده و آنچه از آن بازمانده، توده سنگ و ساروجی است که بخش شمالی آن مرتفع‌ترین قسمت آن است و بلندی آن حدود دوازده پا است؛ اما دامنه پوشیده از تخته سنگهای تراشیده‌ای است که بر بسیاری از آنها نوشته‌هایی به زبان پهلوی نقش شده است. در میان قطعات بازمانده، چند سر و سینه وجود داشت: کله‌ها بسیار بزرگ بودند و شکل و قواره کلاه‌های نم‌دی را به ذهن فرا می‌خواندند که زمانی لرها بر رسمی نهادند؛ بر اساس بررسی‌های باستان‌شناس آلمانی، ارنست هرتسفلد، این بنا قلعه یا معبد نبود، بلکه فقط بنایی بوده بدین منظور که نوشته‌ها و تصویرهایی از پادشاهی را ارائه کند. از نوشته‌ها چنین برمی‌آید که بنا را نرسه (نرسی) هفتمین پادشاه سلسله ساسانی که در سال ۲۹۳ م. بهرام سوم، نوه برادرش را از سلطنت برانداخت و برای بزرگداشت جلوس خود بر تخت سلطنت برپا کرده باشد. فهرستی از حکمرانان و سرکردگان، همچنین خود متنها که گفته می‌شود به هر دو زبان پهلوی ساسانی و اشکانی است، مهم‌ترین اسنادی است که در اختیار داریم و در زمینه تاریخی و باستان‌شناسی حائز اهمیت بسیارند. (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۳۵۲)

پروفسور دابلیو. بی. هنینگ، مطالبی را بر نتیجه‌گیری‌های هرتسفلد افزوده و پاره‌ای از استنتاجات او را اصلاح کرده است و علت برپا کردن چنین بنای عظیمی در چنین جای دورافتاده و کم‌ترددی را این‌گونه بیان می‌کند: «ولیعهدی که به نام بهرام سوم بر تخت سلطنت نشست، هنگام فوت پدر، بهرام دوم صغیر بود. عده‌ای از اشراف و اعیان بزرگ مملکت که مایل بودند شخصیت نیرومندتری را بر تخت سلطنت ببینند، تاج و تخت را به نرسه (نرسی) که آن وقت پادشاه ارمنستان بزرگ و کوچکترین پسر بازمانده شاهپور اول بود، عرضه کردند؛ وی از راه آذربایجان و شاره‌زور، عازم تیسفون شد. نرسه در محلی به نام پایکولی که اعیان و اشراف مملکت به استقبالش آمده بودند، دستور داد این بنا را بسازند تا نشان دهد که در اینجا بود که به عنوان «شاه شاهان» به عموم معرفی شد (ادموندز، ۱۳۸۲: ۱۷۹-۱۷۶).

هویت کردهای ایران و عراق

سازه انگاری اجتماعی با تاکید بر نقش عنصر هویت و منافع تلاش دارد ناکارآمدیهای نظریات عقلانیت گرا در روبرو بین الملل را جبران نماید. بر این اساس، عنصر هویت، به عنوان متغیر اصلی در شکل دهی رفتار و سیاست خارجی دولتها در عرصه بین المللی توسط نظریه سازه انگاری مطرح گردیده است. نظریه سازه انگاری معتقد است که هویت دولتها امری اجتماعی و پسینی است. هویت دولتها امری رابطه ای است که در تماس با سایر دولتها و در یک محیط اجتماعی بین الذهانی ساخته و پرداخته می شود. نقش ساختارهای اجتماعی و هنجارها و نظامهای معنایی در شکل دهی هویت دولتها بیشتر از عناصر عینی و فیزیکی می باشد و حتی شرایط عینی و فیزیکی هویت دولتها، تحت تاثیر تفاسیر هنجاری و معنایی قرار دارد. بر این اساس نقش ادراک و تفسیر از جایگاه خود و دیگران در سیاست بین الملل در شکل دهی هویت و منافع آنها نقش اساسی دارد.

از ابتدای تشکیل عراق، کردها خواهان رسمیت یافتن زبان کردی و آموزش با این زبان بوده اند و همیشه در مقابل تسلط زبان، فرهنگ و نهادهای عربی از خود مقاومت نشان داده اند. (همان، ۴۸-۴۹). هویت و ماهیت کردها بود که باعث می شد آنها نسبت به اعراب، فرهنگ و هویت متمایزی داشته باشند و از این رو می توان این گونه استنباط کرد که کردها در جامعه عراق نیز نتوانستند ماهیت و هویت خود را فراموش کنند و در جامعه ادغام بشوند.

کردها از نظر فرهنگی و زبانی تفاوت عمده ای با اعراب عراق دارند و بر حفظ تمایز فرهنگی و زبانی خود تاکید می کنند. این تفاوت و گرایش ها هنگامی که در معرض سیاست همگون سازی فرهنگی نخبگان عرب سنی قرار گرفت، واکنش گروه های کرد را در پی داشت. سیاست همگون سازی در جهت ایجاد دولت-ملتی عربی بود که به معنای تضعیف و حذف تدریجی سایر فرهنگها و عناصر هویتی به ویژه کردی بود. در عرصه عمل این سیاست، ابعاد و فراز و نشیب هایی داشت، اما مقاومت و واکنش گروه های کرد در قبال این سیاست متداوم بود و به تعمیق بیشتر شکاف عربی-کردی منجر شد. ممانعت از مشارکت گروه ها و نخبگان کرد در عرصه ی قدرت نیز مشخصه ی دیگر الگوی دولت-ملت سازی تک قومی بود (همان، ۵۱).

علت وجودی حکومت منطقه ای کردستان عراق، هویت و ناسیونالیسم کردی است. علت وجودی یعنی هر حکومتی برای حفظ موجودیت خود و نیز در رویارویی با چالش های درونی و بیرونی، ناگزیر از اتکا بر تمایلات و ارزش هایی است که ماهیت و اساس آن حکومت را تشکیل می دهند و آرمان سیاسی آن جامعه محسوب می شوند. بنابراین، می توان هویت کردی را مهمترین

و اصلی‌ترین عنصر ماهوی تشکیل حکومت اقلیم کردستان عراق دانست (محرابی، ۱۳۸۶: ۴۳).

عامل دین

نظریه سازه‌انگاری روابط بین الملل به واسطه تأکید بر ایده‌ها، هنجارها، هویت و فرهنگ، بستر مناسبی را برای نقش دین در سیاست بین الملل فراهم کند. از دیدگاه ونت، فرهنگ‌های داخلی که دولت‌های ملی آنها را به سطح بین‌المللی ارتقا می‌دهند برای توسعه فرهنگ بین‌الملل از اهمیت زیادی برخوردارند، علاقه وی را به این امر نشان می‌دهد که واحدها از طریق تعامل بین خود، "فرهنگ‌های آناژنی" سطح بین‌الملل را می‌سازند.

کردها همواره با انجام مراسم دینی خود در برابر نفوذ بیگانگان مقاومت نموده‌اند. برخی از محققان عقیده دارند که مذاهب یزیدی و نستوری در میان اکراد به ظهور رسیده است. اگرچه کردها در ابتدا بر علیه اسلام مقاومت شدیدی از خود نشان دادند، لکن به سرعت هرچه تمام‌تر آن را پذیرفتند. رفا‌نامه می‌نویسد: تقریباً تمامی قبایل کرد مسلمان و شافعی مذهب قسمتی در ایران به استثناء خانواده اردلان و برخی از عشایر کرمانشاهان و لرستان مانند سنجایی و کلهر که مذهب تشیع دارند و گوران (کرمانشاه) که از اهل حق (علی‌اللهی) به شمار می‌روند، بقیه بر مذهب شافعی‌اند. علی‌اللهی‌ها که حضرت علی را خدا می‌دانند، مرکز عمده‌شان کرمانشاهانست و آداب و عقایدشان مشهور است و دانشمندان، آثار دین قدیم را در آداب و رسوم آنان باز یافته‌اند و علاوه بر کرمانشاه در سایر نقاط ایران مثل آذربایجان و تهران و غیره از این طایفه بسیاریند و گروهی عظیم در هندوستان ساکن‌اند. (بلو، ۱۳۸۲: ۱۰).

در شرف‌نامه آمده است که: «کردان عقیده دارند که پیش از تشریف به آیین اسلام زرتشتی بوده‌اند و در بسیاری از نقاط هنوز بقایای آتشکده‌های باستانی وجود دارد. نام طایفه به‌دینان (عمادیه) که در کردستان عراق است، هم دلیل بر آن است که کردان پیش از اسلام دین بهی داشته‌اند و زردشتی مذهب بوده‌اند.» (بدلیسی، ۱۳۷۳: ۵۶). بلو، از طوایف کردی به نام یزیدی‌ها، علی‌اللهی‌ها، صاری‌ها و غیره نام می‌برد که هنوز بقایای آیین قبل از اسلام خود را حفظ کرده‌اند و تأکید می‌کند که کتب آنان به زبان فارسی است (بلو، ۱۳۷۹: ۱۱). یزیدی‌ها و صاری‌ها در کردستان عراق زندگی می‌کنند.

علی‌اللهی‌ها، گروهی مذهبی ساکن در غرب ایران هستند. برخی بر این باورند که علی‌اللهی‌ها در کردستان عراق «کاکه‌ای» نامیده می‌شوند که طریقه مهمی را تشکیل می‌دهند. طریقه‌ی کاکه‌ای، ظاهراً از سازمان قدیمی‌تری که در لرستان ایران پا گرفته بود و بعدها توسط شخصی به نام «مبارک شاه» - باوه‌خوشین - [Bawakhoshen] در منطقه‌ی شاره زور - هورامان در کردستان عراق منتشر

شد، نشأت گرفته بود. ادموندز می‌نویسد: «به گمان من مذهب کاکه‌ای خلوص و صورت ابتدایی و اولیه خود را در کردستان عراق بیش از کردستان ایران حفظ کرده است. مرشد و بنیانگذار این، «مذهب باطنی»، سید اسحاق، پسر شیخ عیسی برزنجی و گورانی است که اهل همدان بود و پس از مهاجرت، روستای برزنجه را در شرق سلیمانیه و مجاورت هورامان (در کردستان عراق) بنا کرد.» (ادموندز، ۱۳۸۲: ۲۰۵-۱۹۶). رشید یاسمی علاوه بر یزیدی‌ها، علی‌اللهی‌ها و صارلی‌ها، از طایفه‌هایی‌گرد به نام «شبک‌ها» و «بجوران‌ها» نام می‌برد که در کردستان عراق در مناطقی مانند: موصل، شیخان، سنجار (سنگال)، کرکوک و... زندگی می‌کنند و تصریح می‌کند که کتب دینی آنان فارسی است و تمایل خاصی به ایران دارند (یاسمی، ۱۳۶۳: ۱۲۵-۱۲۴). ادموندز همچنین می‌افزاید: «منطقه هورامان لهنون یا بخشهای شاره زور در کردستان عراق، این امتیاز را هم دارد که خاستگاه کیشی است که خاورشناس مشهور فرانسوی، کنت. آ دوگوبینو، قریب به صد سال پیش آن را چنین توصیف کرد: «مذهب حقیقتاً مهم ایران، هم از حیث احکامش و هم از حیث شمار پیروانش و هم از حیث کیفیت خود آن.» (ادموندز، ۱۳۸۲: ۱۶۷-۱۶۶).

زمینه فکری، فرهنگی و تاریخی کردهای ایران و عراق

از نظر فکری و تاریخی کردها به مناطق ایرانی کردنشین وابستگی دارند. بدین معنا که شعرا و ادبای بزرگ کرد عمدتاً در مناطق کردنشین ایران رشد کرده‌اند. (طایی، ۱۳۹۵/۷/۴).

حسین فیلی در این خصوص معتقد است: کردهای فیلی به علت داشتن اصالت و رگ و ریشه ایرانی، نسبت قومی هم با اکراد حاشیه مرزهای غربی دارند و یکی از انگ‌های سیاسی که در طول تاریخ به آنها زده شده و تاکنون نیز با کاهش دامنه آن نیز مرسوم می‌باشد؛ انگ ایرانی بودن است (مصاحبه مورخه ۱۳۹۹/۲/۱۰) آقای خیتال از کردهای فیلی و مسولین استانداری ایلام در این زمینه معتقد است: در هنگام تبعید کردهای فیلی توسط رژیم بعث عراق بسیاری از آنان در استان ایلام و در اردو گاه‌ها اسکان داده شدند. به زندگی ادامه با ایلامیان وصلت قومی نموده و بسیاری از آنان جذب بازار کار عمدتاً مکانیکی شده و تعدادی نیز عضو سپاه بدر شدند. البته بسیاری از اکراد فیلی به سایر شهرها از جمله کرمانشاه، قم و... عزیمت نمودند (مصاحبه مورخه ۱۳۹۹/۱/۲۰).

بسیاری از کردها و از جمله جال طالبانی ریس جمهور فقید عراق سالها در استان البرز، شهرستان کرج زندگی می‌کردند و حتی نچيروان بارزانی نخست وزیر اقلیم کردستان در دانشگاه تهران تحصیل نموده است (مصاحبه مورخه ۱۳۹۹/۳/۲۰).

محرمی یکی از کردهای ساکن عراق طور دیگری این حکایت را بیان می‌نماید: مشکلات خودمان را داشتیم، این مشکلات با ضریب ده برای عراقی‌های مهاجری که به ایران آمده بودند وجود داشت، مشکلات بوروکراسی، حساسیت‌های نژادی، جا و مکان، امکانات آموزشی، پذیرش در دانشگاه‌ها، ازدواج و ... هم وجود داشت. چنین مشکلاتی بخصوص در زمان جنگ برای یک ایرانی وجود داشت، چه برسد به یک عراقی، این‌ها متأسفانه به علت بی‌توجهی ایران به توجیه آنها برای این مسائل باعث شد که فکر کنند چون عراقی هستند، با آنها این‌طور رفتار می‌شود و اغلب با این برداشت منفی به عراق برگشتند. ایران انصافاً آنچه در توان داشت برای عراقی‌ها انجام داد، ولی مشکلات زیادی وجود داشت که مانع می‌شد تا اینجا به تاریخ حساسیت میان ایران و عراق، حساسیت‌های جنگ، اسرا، کشته‌شدگان، معلولان و مهاجران نیز اضافه شد. (محرمی، ۱۳۹۶: ۱۵۹-۱۵۸)

عامل زبان

عنصر مهم و تعیین کننده در هویت فرهنگی کردهای فیلی، زبان است. پراکندگی کردهای فیلی در دو منطقه عمدتاً کردنشین و عرب‌نشین باعث شده است که آنها با لهجه کردی جنوبی و عربی تکلم نمایند که لهجه کردی جنوبی شامل: کردی کرمانشاهی و کردی ایلامی می‌شود که اندک تفاوتی با هم دارند و از نزدیکترین لهجه زبان کردی با زبان فارسی محسوب می‌شود. آن دسته از کردهای فیلی که در مناطق عرب‌نشین زندگی می‌کنند به زبان عربی تکلم می‌کنند و حتی همانند مردم همان محل لباس می‌پوشند، با این حال آنها را از نظر نژادی کرد و ایرانی می‌دانند. کردهای فیلی ابراز می‌دارند که آنها را در عراق به عنوان ایرانی و در ایران به عنوان عراقی می‌شناسند و از این دوگانگی هویتی رنج می‌برند.

آن بخش از کردهای شیعه که در مناطق اکثریت کردنشین - استان کرکوک و دیاله - ساکن بودند؛ زبان، فرهنگ و سنن قومی خود را حفظ کردند و رفته‌رفته زبان و پوشش آنها تحت تأثیر کردهای سورانی زبان کردستان قرار گرفته است. اما آن دسته از کردهای شیعه که در مناطق اکثریت عرب‌نشین استان بغداد، واسط، عماره و بصره ساکن بودند، برای حفظ امنیت اقتصادی و اجتماعی خود به زبان عربی تکلم می‌نمودند و ملبس به لباس عربی شدند و هر طایفه از کردهای شیعه با طایفه‌ای از اعراب هم‌پیمان شدند و آنچنان با قبایل مختلف عرب در آمیختند که متمایز کردن آنها دشوار می‌نمود.

کردها زبان مخصوص به خود دارند و چون کردها و ایرانیان هم‌نژادند، زبانشان با زبان فارسی دارای اشتراکات بسیاری است. این زبان از لحاظ ساختار، عمدتاً به چهار لهجه اصلی کرمانجی، سورانی، گورانی و زازایی تقسیم می‌شود. این

تقسیم‌بندی ارتباط خاصی نیز با عقاید و مذاهب موجود در میان کردها دارد، به این صورت که گورانی‌ها بیشتر پیرو مذهب شیعه اثناعشری و مکتب یارستانند، کرمانجی‌ها و سورانی‌ها بیشتر پیرو مذهب شافعی و اهل سنت بوده و کردان زازایی عمدتاً علوی مذهب هستند (برونه، ۱۹۹۹: ۶۰). در کنار آنها، گروهی از کردان آشوری، مسیحی، کلیمی، شبک، یزیدی، صارلی، کاکه‌ای و دیگر فرقه‌های منسوب به غلات وجود دارند.

زبان کردی، عامل مؤثر و مهمی است که به کردها هویت خاصی می‌دهد و از جمله موارد نادری است که کردها در آن تجربه مشترکی دارند (احمدی، ۱۳۷۹: ۸۱). زبان کردی، مهم‌ترین یا یکی از مهمترین عوامل پیوستگی و وابستگی تاریخی کردها از جمله کردهای عراق با ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی است.

مذهب شیعه

شیعیان بزرگ‌ترین فرصتی که با فروپاشی رژیم بعثی در عراق برای ایران شکل گرفته ایجاد حکومتی مبتنی بر حاکمیت شیعیان است (یزدانی و صادقی ۱۳۸۸: ۳۴) کردهای فیلی وابستگی شدید زبانی و مذهبی با کردهای ایلام و کرمانشاه دارند. به سبب داشتن مذهب تشیع اثنی عشری، دولت عراق آنها را از نواحی کردنشین شافعی مذهب شمالی جدا کرده و در استان‌های عربی (عرب‌نشین) دیاله و واسط قرار داده که بر مذهب تشیع‌اند. (کندل و دیگران ۱۳۷۰: ۷۵). کردهای فیلی شیعه مذهب عراق که به کردهای فیلی معروف هستند، در مناطق شرقی و شمال شرقی این کشور به خصوص در استان دیاله، شهرهای خانقین، مندلی، مقدادیه، بدره، رزبایه، کوت، جصان، عزیزیه، می نعمانیه، بعقوبه، علی شرقی، علی غربی، شیخ سعد، کوفه، بصره و عماره سکونت دارند. بنابراین مجموعه عوامل مذکور، یعنی شیعه، کرد بودن و هویت ایرانی باعث شد که حکومت بعث از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بیشترین محرومیت‌ها و آسیب‌ها را برای اقلیت فراهم نمایند. به همین جهت کردهای فیلی نیز دوشادوش کردهای سنی و اعراب شیعه عراق، در ردیف معارضین حکومت صدام قرار گرفته بودند و صدمات و تلفات زیادی را در این راه متحمل شدند. (اخوان کاظمی، عزیز، ۱۳۹۷: ۹۵).

به طور کلی، ایرانی‌الأصل و شیعه بودن کردهای فیلی یکی از تأثیرگذارترین عوامل در شکل دادن به هویت و وضعیت تابعیت آنها بود. بر همین اساس، علی طاهر الحمود کردهای فیلی را به عنوان یک اقلیت عراقی دورگه معرفی کرده و تأکید کرده است که «عبارت کرد فیلی عموماً برای کردهای فیلی شیعه به کار برده می‌شود که ایرانی‌الأصل هستند و همچنین به تبعیه نیز شناخته می‌شوند» (مرادی مقدم و بصیرت منش، ۱۳۹۹: ۱۶۳). بسیاری از کردهای فیلی که پس از سال ۱۹۲۴ م. به تابعیت کشور عراق درآمدند، منشأ ایرانی بودن

آنها در اسناد هویتی آنها قید شده بود.

کردهای شیعه مذهب عراق و ایران از یک تبار هستند و ریشه تشیع آنها نیز مشترک می باشد، هرچند پراداختن به تشیع در میان کردهای فیلی نیاز به یک پژوهش مستقل دارد. عظیمی معتقد است که کردهای شیعه مذهب عراق در تماس با زوار شیعه عرب و زوار شیعه مذهب ایرانی که در سفر به طرف عتبات بوده اند، مذهب تشیع جعفری را اختیار کرده اند. اما در این میان، نزدیکی محل سکونت کردهای فیلی به عتبات عالیات و دولت محلی شیعی مشعشعیان هویزه نیز در گسترش تشیع در میان کردهای شیعه تأثیر نبوده است. همچنین به نظر می رسد، با توجه به قدمت تاریخی بنای برخی امامزاده های واقع در مناطق فیلی نشین، از اولین شیعیان باشند. امامزاده های متعدد با بناهای تاریخی در مناطق کردهای شیعه و وجود طوایف زیادی از سادات در این مناطق مؤید پیشینه دیرینه تشیع کردهای فیلی می باشد. علاوه بر این، مناطق فیلی نشین از مسیرهای تردد زوار می باشند و کردهای فیلی نیز به طور معمول اموات خود را در عتبات دفن می کردند. (مرادی مقدم، ۱۳۹۹: ۸۰-۷۹).

کردها در طول تاریخ، همواره مردمی مذهبی بوده و علاقه زیادی به تفکر در امور مذهبی، عرفانی و معنوی داشته اند. هرچند بیشترین جمعیت آنها پیروان مذاهب شافعی و تشیع هستند، اما به طور گسترده بنیان گذار و پذیرای فرق متعدد عرفانی و صوفی نیز بوده اند. در میان ملت کرد، پیروان ادیان و مذهبی همچون اسلام، مسیحیت، یهودیت، تشیع امامی، تشیع علوی، نصیری، طریقه های عرفانی نقشبندیه، قادریه، حسین ابدال، بکتاشیه، اهل حق، کاکه ای و نیز پیروان آیین ایزدی با منشأ زرتشتی و مانوی و دیگر فرقه های شایع دیگر وجود دارد که به دلیل این ویژگی، بحق باید کردستان را «هند جهان اسلام» نامید (عظیمی و چلونگر، ۱۳۹۱: ۸۴-۸۳). طوایف کرد عمدتاً اعتقاد شدیدی به قول و فعل مشایخ دارند و با وجود پایبندی به مذهبی خاص، در پیروی از مسلک دراویش و احترام به آنها فعالند. مرکز عمده فعالیت دراویش نقشبندیه و قادریه در میان کردها، اورامان، مکری، سلیمانیه، شمدینان و خربوت است (بلو، ۱۳۷۹: ۱۱).

کردهای فیلی وابستگی شدید زبانی و مذهبی با کردهای ایلام و کرمانشاه داشته و عامل جدایی و وجه تمایز آن از کردستان عراق که اکثریت سنی و شافعی مذهب هستند؛ مذهب تشیع آنان است. جمعیتی از کردهای شیعه با عنوان فیلی در اطراف و اکناف خانیقین، استان کوت، العماره و بغداد ساکن هستند. برخی از محققان نظیر عصام الفیلی معتقدند که جغرافیایی که کردهای فیلی در آن زندگی می کنند، بر اعتقادات آنها تأثیر گذاشته است. در سال ۲۰۰۳ که که حملات متمرکز و هجمه ای هماهنگ علیه مذهب تشیع در منطقه به وجود آمد،

مذهب شیعه در کانون توجه کردهای فیلی قرار گرفت. این موضوع مستمسکی شد که احزاب شیعه با ذکر برخی رویدادهای تاریخی از مراودات و ارتباطات فیلی ها با مراجع عظام تقلید به مردم فیلی احساس قرابت بیشتری نموده و نزدیک شوند (زرگر و مولایی، ۱۴۰۲: ۱۷۷-۱۷۶).

شکل‌گیری جنبش‌های فرهنگی و اسلامی کردها

پس از پایان درگیری‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۰ جنبش فرهنگی کرد در عراق به نحو چشمگیری توسعه یافت و روشنفکرانی که به خاطر فشارهای روزافزون دستگاه حاکمه کشورشان در استامبول می‌زیستند، به عراق برگشته و جمع روشنفکران کرد عراق را بارورتر ساخته و دو مرکز بزرگ علمی و ادبی در سلیمانیه و بغداد ایجاد نمودند. روزنامه‌های پیش که "وتن"، "پیشرفت" و "ترقی" (۱۹۱۹-۱۹۲۲)، "بانگی کوردستان"، "ندای کوردستان" و "روژ کوردستان"، "روز کوردستان" و "بانگ حق"، "ندای حق" و "امید استقلال" و "ژیان زندگی" و "زانستی" دانش را در سلیمانیه منتشر نمودند. لازم به تذکر است که روزنامه یومیه‌ای که بیش از ۳۰ سال انتشار می‌یافت، ابتدا تحت عنوان "ژیانه وه" زنده شدن و سپس به نام "ژیان" و سرانجام "ژین" منتشر می‌شد. (اختیاری، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

در بغداد نیز روشنفکران ابتدا روزنامه "دیاری کوردستان" هدیه کوردستان و سپس "گلاویژ" ستاره جلدی را از سال ۱۹۳۹ تا سال ۱۹۴۹ منتشر می‌نمودند و سپس روزنامه‌های دیگری به نام "ده‌نگی گیتی تازه" ندای دنیای جدید و "نزار" را منتشر ساختند که مدت مدیدی ادامه یافت. سپس روزنامه "ده‌نگی کوردستان" ارگان دانشجویان انتشار یافت و بعداً به "خه‌بات" مبارزه و پیکار ارگان حزب دمکرات کوردستان تغییر نام داد تا سال ۱۹۶۱ انتشار می‌یافت و در همان ایام توسط حکومت ژنرال قاسم توقیف گردید. سپس روزنامه‌های "هیوا"، "رزگاری" و "روناهی" به صورت ماهانه و دو هفته یک بار انتشار می‌یافتند. سپس روزنامه "آزادی" ارگان حزب کمونیست عراق شاخه کوردستان در رواندوز انتشار یافت و در سال ۱۹۳۶ روزنامه‌های "زاری کرمانجی" در اربیل و "راستی" در موصل منتشر شد. (صبوری، ۱۳۹۳: ۲۱۹).

لازم به تذکر است که تمام این روزنامه‌ها و مجلات به لهجه سورانی انتشار می‌یافتند. افق ادبیات کرد در پرتو ارتباط با ادبیات کشورهای غربی و عربی بیش از پیش توسعه یافت. نخست روشنفکران و نویسندگان کرد تعداد زیادی از آثار بارزش علمی و ادبی و سفرنامه‌ها را از زبانهای عربی و انگلیسی به کردی ترجمه نموده و مطالبی را که در رابطه با کرد و کوردستان در نوشته‌های جهانگردان انگلیسی و اروپایی و مجلات عربی به چاپ می‌رسد به کردی ترجمه می‌نمودند و برخی از محققین هم وقت خود را به چاپ دستور زبان

فرهنگ و فولکلور کرد صرف نمودند و ضمناً علاقه وافری به تاریخ- جغرافیا- ادبیات و اشعار کردی از خود نشان دادند. مطبوعات و ناشرین تا سال ۱۹۵۸ مقالات ادبی، تاریخی، اشعار و داستانها تقدیم خوانندگان خود نموده، لکن درباره مسائل روز با احتیاط از آن سخن می‌رانند و موضوعات ملی و ناسیونالیستی صرفاً در قالب اشعار و افسانه‌های گذشته رایج می‌گردید. اما بعد از ماه اوت ۱۹۵۸ که کردها از آزادی بیان برخوردار شدند، بلافاصله بانگ ملی‌گرایی را سر داده و پس از به وقوع پیوستن کودتای ژوئیه ۱۹۵۹، نویسندگان کرد جشن پیروزی جمهوری دمکراتیک کرد و عرب را با نظم و نشر برگزار کردند و این اسطوره برادری کرد و عرب همیشه به عنوان اساس و پایه رژیم عراق معرفی شده است و یک واحد تعلیم و تربیت علمی به منظور ایجاد دبیرستان و دانشگاه کرد تأسیس و همزمان یک هیأت شش نفره مأمور تهیه کتب تاریخ، جغرافی و ادبیات کرد به زبانهای عربی و کردی گردید و به دنبال آن زبان کردی در برنامه‌های درسی قسمت عرب زبان عراق متداول هنوز اندکی از خواسته‌های کردها در زمینه‌های فرهنگی و اداری تحقق یافته بود که در اوایل سال ۱۹۶۱ شرایط تغییر یافت. (شکوری، ۱۳۸۵: ۹۷).

برخی از کردهای فیلی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برای مبارزه با رژیم بعث و احقاق حقوق خود در جامعه عراق تحت لوای کردهای شمال عراق و اعراب شیعه فعالیت می‌کردند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و متأثر از افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی، ایران جنبشها و سازمانهای اسلامی مستقلاً تشکیل دادند و برای احقاق حق خود در چارچوب یک حکومت اسلامی تلاش کردند. از جمله، «جنبش کردهای مسلمان» که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۹ به رهبری حسین فیلی بنیانگذاری شد. این جنبش از سوی نهضت آزادی‌بخش، مورد حمایت مالی قرار گرفت و در ابتدا بیش از ۴۰۰ عضو مسلح در داخل و خارج از کشور عراق داشت. مطالبه اصلی این جنبش، برقراری رژیم جدید در عراق به شرط پذیرفتن خودمختاری برای منطقه کردستان و از جمله مناطق فیلی‌نشین عراق بود. «جنبش تجمع اسلامی کردهای فیلی» از دیگر تشکیلات کردهای فیلی بود که در سال ۱۳۶۰ در شهر تهران تأسیس شد. هدف اصلی این تجمع «تأسیس حکومت عدل الهی در کشور عراق» و فعالیتهای اصلی آن در راستای معرفی مظالم رژیم بعث و حمایت از خانواده‌های آواره کرد فیلی بود (قربانی کشککی، ۱۳۷۱: ۲۵۱ و ۲۵۰). همچنین جنبش مسلمانان کرد فیلی در سال ۱۳۶۲ توسط عبدالجلیل فیلی در شهر ایلام پایه‌گذاری شد. استراتژی بلندمدت این جنبش «برپایی یک حکومت بزرگ فدرال اسلامی» و استراتژی کوتاه‌مدت آن، سرنگونی رژیم بعث و بازگرداندن حقوق کردهای فیلی به ایشان بود (قربانی کشککی، ۱۳۷۱: ۲۵۶).

خاستگاه نژادی کردهای ایران و عراق

یکی از ارکان اساسی پیوندهای فرهنگی کردها و از جمله کردهای عراق با ایران، موضوع پیوستگی نژادی است. دیدگاه‌های مختلفی در مورد ریشه‌ی نژادی کردها وجود دارد که بعضی از آنها جنبه‌ی اسطوره و افسانه‌ای دارند و برخی نیز مبتنی بر رویکردی تاریخی و به استناد شواهد و کاوش‌های باستان‌شناسی و یافته‌های علمی هستند.

کردها از اقوام هند و اروپایی هستند که هزاران سال پیش از مرزهای شمالی وارد ایران شده و در نواحی کوهستانی غربی اسکان یافته‌اند. قوم کرد عقیده دارد که پیش از تشرف به آیین اسلام، زرتشتی بود و بقایای تعداد بسیاری از آتشکده‌ها در مناطق کردنشین مؤید این مطلب است. نام طایفه‌ی «به‌دینان» (عماریه) هم دلیل بر آن است که کردان پیش از اسلام دین «بهی» داشته و زرتشتی مذهب بوده‌اند (بلو، ۱۳۷۹، ۱۱). اگرچه کردها ابتدا علیه اسلام مقاومت شدیدی از خود نشان دادند، اما بعدها- بمانند سایر اقوام ایرانی- به سرعت آن را پذیرفتند.

دیوید مک داوول می‌نویسد: «درباره منشأ و تبار کردها افسانه‌های مختلفی وجود دارند، افسانه‌ای می‌گوید که کردها تبار از کودکانی دارند که از ستم ضحاک آدم‌خوار گریخته‌اند و در کوه‌ها پنهان گشته‌اند. این افسانه، این مردم را با کوه پیوند می‌دهد.» (مک داوول، ۱۳۸۳: ۶۶).

برخی افسانه‌های دیگر، ریشه‌ی کردها را به زمان حضرت نوح و حضرت سلیمان (ع) نسبت می‌دهند. عده‌ای کمی نیز ریشه کردها را عرب و ترک می‌دانند. طرفداران ریشه‌ی عربی و ترکی کردها در میان خود کردها بسیار نادر هستند (احمدی، ۱۳۷۹: ۸۳). محمد امین زکی بیگ مورخ کرد عراقی، ضمن بررسی و رد روایتهای مطرح شده در مورد ریشه‌ی عربی کردها، ماجرای ضحاک را به نقل از مسعودی ذکر می‌کند و در توضیح آن آورده است: «تحقیقات مورخین اخیر به این صورت است که ضحاک یک نفر نبوده، بلکه خانواده‌ای حکمران بوده که آسوریه را تصرف کرده و هزار سال بر آنها حکمرانی نموده، در مقابل حکومت (لوردهو) که در شمال آشور واقع بوده و مرتباً به ضحاکیان تعرض می‌نمودند، بعضی از عشایر ایرانی را به کردستان انتقال می‌دهند و در آنجا مستقر می‌شوند. این عشایر ایرانی به تدریج بر حکومت (لوردهو) غلبه پیدا می‌کنند و آنها را محو و نابود می‌نمایند و اجداد کرد را تشکیل می‌دهند.» (زکی بیگ ۱۳۸۱: ۵۴-۵۵)

شرف خان بدلیسی، مورخ شهیر کرد از مناطق کردنشین تابع عثمانی که کتاب: شرفنامه او اولین و قدیمی‌ترین منبع در مورد تاریخ کرد و به زبان فارسی می‌باشد نیز داستان ضحاک را نقل کرده و آن را معتبر دانسته است (بدلیسی،

۱۳۷۳: ۱۹-۲۰). یادآوری این نکته درباره‌ی ضحاک و از قول جمیز موریه (سفر دوم، ۱۸۱۲ م.) شایان توجه است که در آن زمان در روز ۳۱ ماه اوت هر سال در دماوند، جشنی به افتخار آزاد شدن ایران از جور و ستم آن پادشاه ظالم برپا می‌کردند که به «جشن کردی» معروف بود (نیکیتین، ۱۳۷۸: ۴۴).

غیر از موضوعات افسانه‌ای، شرق‌شناسانی مانند ولادیمیر مینورسکی، دیدگاهی تاریخی در خصوص ریشه‌های نژادی کردها مطرح کرده‌اند؛ بر اساس این دیدگاه که به عنوان نظریه مسلط پذیرفته شده است، کردها اعقاب مادها، یک گروه قبیله‌ای (آریایی) هستند که همراه پارسها و پارتها به داخل فلات ایران مهاجرت کردند. پارس‌ها در جنوب و مرکز، مادها در غرب و شمال غرب (آذربایجان، کردستان و کرمانشاه) و پارتها در شرق سرزمینی که ایران نام گرفت ساکن شدند. بدین ترتیب، مادها بنیانگذاران اولین امپراتوری ایرانی (۷۲۸-۵۵۰ ق.م.) و کهن‌ترین موجودیت سیاسی تاریخی در ایران شدند. مادها پس از چندی به دست کوروش پارسی که مادرش از مادها بود و امپراتوری هخامنشیان را بنیان گذاشت (۵۵۰-۳۳۱ ق.م.) مغلوب شدند؛ البته این نظریه مبتنی بر پژوهش‌های تاریخی قرن اخیر است (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۸-۱۲۷).

کردهای تابع امپراتوری عثمانی که بر اثر جنگ از ایران منفک شدند، همواره بر پیوند نژادی و خویشاوندی خود با ملت ایران تأکید داشته‌اند؛ در موارد متعدد ضمن ابراز این رابطه، خواهان یاری و حمایت برادران ایرانی خود بوده‌اند. از جمله می‌توان به «جمعیت تعالی کردستان» که اولین سازمان و تشکیلاتی کردی است که در سال ۱۹۰۸ م. در امپراتوری عثمانی تأسیس شد، اشاره کرد. در ماده ۴ مرامنامه‌ی این جمعیت آمده است: «ما ملت کرد که از نقطه نظر جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی، یک جای خیلی مهم و وسیعی را اشغال کرده‌ایم، به نام منافع شرق به طرف ملت ایران که با ما هم‌نژاد و هم‌دین و برادر ما است، دست صمیمیت دراز کرده و امیدواری کامل داریم که او هم‌دست ما را با احترام استقبال کند.» (مک داول، ۱۳۸۳: ۲۳). مدارک و مستندات این موضوع را اثبات می‌کند که ریشه‌ی نژادی کردها با سایر اقوام ایرانی چگونه به هم پیوسته و گره خورده است.

آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی کردهای ایران و عراق

بسیاری از آداب و رسوم قدیمی ایرانی در کردستان عراق متداول بوده است. اهالی سلیمانیه، در جشن سده و عید نوروز به رسم قدیم ایران آتش می‌افروزند، مراسم سوگواری، عروسی، رسم رقص، ختان و سایر عادات آنها، با مردم ایران تفاوتی ندارد؛ نام فرزندان خود را از اسامی پادشاهان و پهلوانان قدیم ایران انتخاب می‌کنند، مانند نریمان، رستم و فریدون، اسم دختران را نیز از کلمات

پارسی می‌گزینند، مانند: پروین، ستاره، پاکیزه و غیره. اکراد آنجا، همه‌ی مفاخر ایران قدیم را به خود نسبت می‌دهند، مثل: زردشت، رستم و کیقباد و به رسم ایرانیان در قهوه‌خانه‌ها، شاهنامه‌خوانی می‌کنند؛ با این که مذهب شیعه ندارند، بنا به رسم سایر ایرانیان روز عاشورا را محترم می‌شمارند؛ در آن روز از خوردن حیوان و اصلاح سر و ریش و چیدن ناخن احتراز می‌ورزند (یاسمی، ۱۳۶۳: ۱۲۰).

از قدیم‌الایام جشن نوروز که مطابق سال جدید ایران باستانی است، در سلیمانیه باشکوه و مراسم خاصی برگزار می‌شده است. توفیق وهبی، سناتور کرد عراقی، این مراسم را در مجله‌ی سومر (شماره ۲، ۱۹۴۸ م.) وابسته به اداره کل باستان‌شناسی عراق چنین توصیف کرده است: «صبح روز مقرر، مردم سلیمانیه شهر را ترک می‌کنند و در جشنگاه گرد می‌آیند. شاهی را بر تخت می‌نشانند، درباریان و محافظان را تعیین می‌کنند. شاه سوار بر گاو و در حالی که درباریان از پی‌اش روانند، در میان جماعت به اردوگاه می‌آید، چادر می‌زنند، دیوان برپا می‌کنند، دیگ‌ها را بار می‌گذارند. عده‌ای که پوست بز و گوسفند پوشیده‌اند، در تمام مدت جشن که سه روز به درازا می‌انجامد، نقش دامهای خانگی را بازی می‌کنند. مردم، بی‌هیچ اعتراضی از پادشاه فرمان می‌برند. شاه بر مردم، خواه در این گردهمایی باشند یا نباشند، مالیات می‌بندد. این شخص تا جشن دیگر، همچنان عنوان شاهی را حفظ می‌کند. به گمان من این جشن در حقیقت یادگار شورش فریدون علیه ضحاک ماردوش ستمگر است که در طی آن چنان که در شاهنامه فردوسی می‌بینیم، فریدون، ضحاک را برانداخت و تخت سلطنت ایران را بازپس گرفت. گردها می‌گویند: فریدون سوار بر گاو، نیروهای خود را در جنگ با ضحاک رهبری کرد» (ادموندز، ۱۳۸۲: ۹۷-۹۶).

کریس کوچرا، می‌نویسد: «پانزده روز پس از سرکوب شورش موصل (شورش‌ی که توسط مخالفان ژنرال، قاسم، رئیس جمهوری عراق در ۸ مارس ۱۹۵۹ م. صورت گرفت و با مشارکت کردها سرکوب شد) کردها در سلیمانیه باشکوه هرچه تمامتر «نوروز»، یعنی اول سال خورشیدی ایرانی را جشن می‌گیرند. این جشن عظیم با نمایش خیابانی افسانه ایرانی، شورش کاوه آهنگر علیه ضحاک پایان یافت. این نمایش بر روی صفت‌های متحرک اجرا شد، در این نمایش کاوه مظهر مردم کرد و ضحاک مظهر امپریالیسم انگلیس و آمریکا و تعصب ناصری بود» (کوچرا، ۱۳۷۷: ۲۵۷).

آداب، رسوم و آیین‌های منشعب و منبعث از فرهنگ ایرانی در صورتی که با عامل جذابیت ممزوج و مزین گردند، در شمار منابع موجود قدرت نرم به حساب می‌آیند که بارزترین مصداق در این زمینه جشن نوروز است. حرمت نهادن و پاسداشت سنت‌های ایرانی و عمل کردن به آیین‌های مختلف مردم

ایران، یکی از نمادهای توجه ایرانیان به فرهنگ کهن خود به رغم مخالفت‌ها و موانع در طول سالیان دراز دوام و قوام داشته است. آیین نوروز، سیزده‌به‌در، چهارشنبه‌سوری در طول تاریخ ثابت مانده و همه ساله از سوی ایرانیان در هر جای جهان جشن گرفته می‌شوند و به نمادی از هویت ایرانی مبدل گشته و در ایجاد پیوند مشترک بین ایرانیان ساکن گستره تمدنی ایران باستان و شناسایی فرهنگ این مرز و بوم به سایرین نقش مهم و اثرگذاری ایفا نموده است.

نتیجه گیری

اشتراکات فرهنگی را می توان اصلی ترین مولفه همگرایی بین کردهای ایران و عراق برشمرد. همچنان که در این مقاله بیان شد می توان گفت مهمترین اشتراکات فرهنگی کردهای ایران و عراق را می توان در مواردی از قبیل پیشینه تاریخی و تمدنی، آثار باستانی، هویت، دین، زمینه فکری، فرهنگی و تاریخی، زبان، مذهب شیعه، شکل گیری جنبش های فرهنگی و اسلامی، خاستگاه نژادی و آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی برشمرد. اشتراکات فرهنگی که با گذشت نزدیک به دو قرن از ایجاد مرزهای سیاسی، هنوز این روابط با توجه و استنادات باستان شناسی و سایر مواد و داده های فرهنگی به حدی قوی است که نفی آن، غیرقابل انکار است. این اشتراکات با توجه به وجود آثار فرهنگی و تاریخی موجود و سایر مدارک، فرصت ارزشمندی برای تقویت روابط منطقه ای این محدوده جغرافیایی از کشورمان محسوب می شود. برآیند اصلی مقاله حاضر، نشان داد که آن چه بیش از هر چیز دارای اهمیت است، تأکید و توجه بر استمرار روابط و تأکید بر مشترکات فرهنگی و پیوستگی نژادی است که کردهای ایران و عراق داشته و ضروری است که این پیوند ارتقاء یابد.

فهرست منابع

- احمدی، حمید. ۱۳۷۹. قومیت و قوم گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی.
- اخوان کاظمی، مسعود و عزیز، پروانه (۱۳۹۷) تحلیلی بر وضعیت کرد های شیعه فیلی در عراق. فصلنامه علمی شیعه شناسی، سال شانزدهم، شماره شصت و یکم.
- ادموندز، سیسیل جی. ۱۳۸۲. کردها، ترکها، عربها، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: روزبهان.
- العلوی، حسن (۱۳۹۰) شیعه و حکومت در عراق، ترجمه محمد نبی ابراهیمی، تهران: سوره مهر
- بدلیسی، شرفخان (۱۳۷۳). شرف نامه تاریخ مفصل کردستان، تهران: نشر اساطیر.
- بلو، ژویس. ۱۳۸۲. مساله کرد؛ بررسی تاریخی و جامعه شناسی. ترجمه پرویز امین. تهران: مرکز پژوهش های کردستان شناسی.
- پیشگاهی فرد، زهرا. ۱۳۹۴. پژوهشی در حوزه فرهنگی و تمدنی ایران نمونه موردی: کردستان عراق. پژوهش های باستان شناسی ایران. دوره ۵، شماره ۹.
- رشید یاسمی، غلامرضا (۱۳۶۳). کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- زرگر، علیرضا و علی مولایی. ۱۴۰۱. مولفه های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق با تأکید بر کردهای شیعه. مطالعات قدرت نرم.

زکی بیگ، محمدمین. ۱۳۸۱. زبده ی تاریخ کرد و کردستان، ترجمه: یدالله روشن اردلان، تهران: توس.

فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۸۵. شاهنامه فردوسی. تهران: سرای دانش.

قربانی کشککی، منوچهر. ۱۳۷۱. جنبش های اسلامی عراق از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۸. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی عبدالصاحب یادگاری، دانشگاه امام صادق

کندال و دیگران (۱۳۷۰). کردها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر روزبهان. کوچرا، کریس (۱۳۷۷). جنبش ملی کرد، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: موسسه انتشاراتی نگاه.

گیرشمن، رومن، ۱۳۷۰، هنر ایران در دوران پارت و ساسانی، ترجمه: بهرام فرهوشی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مرادی مقدم، مراد و حمید بصیرت منش. ۱۳۹۸. بررسی عوامل مؤثر در مسئله مند شدن وضعیت تابعیت کردهای فیلی عراق در یکصد سال اخیر. فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء. سال سی ام، دوره جدید، شماره ۴۵، پیاپی ۱۳۵

محرمی، توحید. ۱۳۹۶. عراق جدید و امنیت فرهنگی جمهوری اسامی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

مک داول، دیوید (۱۳۸۳) تاریخ معاصر کرد، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانید.

نیکیتین، واسیلی (۱۳۷۵). کرد و کردستان، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات نیلوفر.

هاگت، پیترو، ۱۳۸، ۳، جغرافیای ترکیبی نو، ترجمه: شاپور گودرزی نژاد، تهران: سمت.

مصاحبه ها:

طایی، ۱۳۹۵/۷/۴

مصاحبه ۱۳۹۹/۲/۱۰

مصاحبه ۱۳۹۹/۱/۲۰

مصاحبه ۱۳/۳/۲۰